ایران

• شنبه ۱ دی ۱۴۰۳
• ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
• سال سی‌ام
• شماره ۸۶۳۳
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

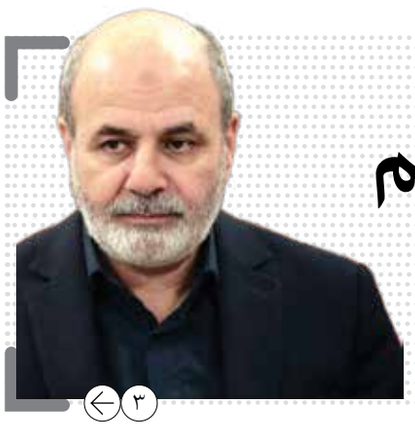

پاسخ دبیر شورای عالی امنیت ملی به پوتین:

ما سوریه را رها نکردیم

علی اکبر احمدیان گفت: ما بعد از اتمام حکومت داعش، با تمایل دولت سوریه قوای خود را تخلیه کرده بودیم و در منطقه حضور عملیاتی نداشتیم که تصمیم بگیریم همراهی بکنیم یا نکنیم. امکان تقویت سریع نیز وجود نداشت، مگر آنکه ارتش سوریه مقاومت می‌کرد. بنابراین، درمورد اینکه می‌گویند ایران عرصه را رها کرد، ما اصلاً آنجا نبودیم که بخواهیم رها کنیم.

۳

«ایران» سفر پزشکیان به قاهره برای شرکت در اجلاس D8 را تحلیل کرد

نسیم دیپلماسی از تهران تا قاهره

President.ir

معاون سیاسی رئیس جمهوری از اراده ایران و مصر برای از سرگیری روابط خبر داد

شطرنج ماهرانه پزشکیان و سیسی

روایت از یک عصر پرفراز و نشیب (۱۳۱۷-۱۴۰۳)

عبور از دست‌اندازهای تاریخی

یک مرکز تحلیلی در امریکا: تنش زدایی به اصل بنیادین در خاورمیانه تبدیل شده است

شکوفایی دیپلماسی درون منطقه‌ای

یک اندیشکده اماراتی: تهران و قاهره به یکدیگر نیاز دارند

این بار فرق می کند

با یادداشت‌هایی از محمدعلی سبحانی دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه و حجت‌الله جودکی کارشناس مسائل منطقه

۲ ۳ ۴

جامعه شناسان مطرح کردند

تقویت همبستگی اجتماعی با پویش دو درجه کمتر

۱۴

پویش جدید رئیس جمهوری به نتیجه رسید

صرفه‌جویی ۱۰ میلیون مترمکعبی مصرف گاز

۷

اینفانتینو بزودی به ایران می‌آید

تمجید رئیس فیفا از حضور هواداران زن در بازی سپاهان و پرسپولیس

رئیس فدراسیون جهانی فوتبال، با اشاره به حضور هواداران خانم در بازی سپاهان و پرسپولیس نوشت: «مایلم از همه مسئولانی که در ایران مقدمات حضور بانوان در استادیوم‌ها را فراهم کرده‌اند، تشکر کنم. قصد دارم بزودی به ایران سفر کنم تا در مورد مسائل مربوط به فوتبال بیشتر گفت‌وگو کنیم، زیرا این کشور قدرت قابل توجهی در فوتبال آسیاست.»

۱۲

در سومین دوره جشنواره موسیقی صبا چه گذشت؟

در ستایش نقاش موسیقی ایران

۱۵

موسیقی و نقاشی به پدیده هایی برای دیده شدن در عرصه عمومی تبدیل شده اند

هنر در کف خیابان

۹

ارز و سکه‌های خانگی و رابطه متقابل دولت و ملت

سرمقاله

علی متقیان
مدیرمسئول روزنامه ایران

این روزها که به دلایل مختلف، قیمت ارز و طلا روبه افزایش و در مقابل به تعبیر رئیس جمهوری محترم، درآمد کشور محدود و روبه کاهش است و کفایت هزینه‌ها را نمی‌دهد، می‌توان به یک راهکار ملی برای حل مسأله رسید. به عبارت دیگر برای حل این مشکل به جای نگاه به خارج و بحث رفع تحریم‌ها می‌توان به داخل نظر انداخت و به کمک مردم به دولت در شرایط وفاق بیش از پیش اندیشید. در این دوره تمام تلاش رئیس جمهوری بر این است که در جامعه از دعواها و اختلافات جلوگیری شود و نزاع‌های اغلب ساختگی جناحی نیز حذف و بدین شیوه دل مردم با دولت همراه شود. اگر چنین روزی برای جمهوری اسلامی دوباره ثبت شود، بسیار ارزشمند خواهد بود و یادآور همراهی مردم و دولت در دوران دفاع مقدس است؛ در آن دوره، اگر مردم شهید می‌دادند، مسئولان هم شهید می‌دادند، اگر مردم در جنگ حضور داشتند، مسئولان و فرزندان آنان هم در جنگ حضور داشتند و جانباز دفاع مقدس می‌شدند، مردم این همدلی را قبل از دفاع مقدس، در پیروزی انقلاب اسلامی نیز تجربه کرده بودند.

از روزی که سفره‌های مسئولان از مردم جدا شد و مردم خود را از مسئولان‌شان متفاوت دیدند، بتدریج فاصله بیشتر و بیشتر شد و دشمنان، معاندان و مخالفان انقلاب اسلامی نیز بر این آتش می‌دمیدند و بر فاصله‌ها افزودند. بعضاً نامزدهای انتخاباتی این جدایی را بیشتر دامن زدند و در کانون این مسأله تشدید رقابت‌ها و منازعات جناحی قرار داشت. غرض از بازگویی چنین نکاتی این است، از زمانی که دولت (قوه مجریه) و ملت راه خود را از هم جدا کردند و دیوار اعتمادها فرو ریخت؛ فرصت برای دشمنان قسم‌خورده انقلاب نیز برای مانورهای رسانه‌ای تشدید شد.

یکی از مواردی که هنگام اتحاد دولت و ملت در دوره دفاع مقدس خود را نشان داد، این بود که ملت با طیب خاطر، همه داشته‌های خود را در اختیار دولت قرار می‌داد. اما در دوران فاصله بین دولت و ملت، با توجه به مشکلات اقتصادی و تورم بالایی که گریبانگیر جامعه شد و با افت ارزش پول ملی، مردم به این فکر افتادند که ریال اضافی و پس‌انداز خود را به جای نگهداری در بانک‌ها، به ارز و سکه و طلا تبدیل کرده، آن را از چرخه تولید خارج و در صندوق خانه‌ها و امانات بانک‌ها محبوس کنند.

البته هرچند وقت یکبار و در دوره یکی از دولت‌ها، مردم اعتماد نشان دادند و ارزهای خود را به امانت در حساب ارزی بانک‌ها قرار دادند. اما در مقابل برخی دولت‌ها عامدانه یا از روی جهل بر عهد خود وفادار نماندند و با خلف وعده، به جای بازگرداندن اصل سرمایه ارزی، با احتساب قیمتی کمتر از بازار، به صاحبانش ریال برگرداندند. این مسأله چنان بر بی‌اعتمادی مردم به بانک‌ها و دولت افزود که هنوز هم بانک‌ها در آتش چنین بی‌اعتمادی می‌سوزند.

چاره کار چیست؟

حال باید دولت تلاش کند تا آب رفته را به جوی برگرداند تا بدین وسیله اعتماد به مردم برگردد. همچنین باید راهی انتخاب کرد که مردم عهد و پیمان با دولت را بپذیرند و از وفاداری دولت به مردم اطمینان حاصل کنند. پیشنهاد این است که بانک مرکزی طرحی را به انضمام پشتیبانی محکم و تضمین‌های قانونی و عملیاتی اعلام کند و طی آن حاضر شود در برابر تعهدات تضمین‌شده و چندجانبه، حساب‌های ارزی و سکه‌ای را طراحی کند و در عین حال بانک‌ها، ارزها و سکه‌های در اختیار مردم را به صورت سپرده قانونی و تضمینی و در حسابی نزد خود نگاه دارند و با اینکه سودی برای آن درنظر می‌گیرند، امکان دسترسی به حساب ارزی را در هر مقطع زمانی همچون سپرده‌های ریالی فراهم کنند.

دولت هم باید تضمین کند به این حساب‌ها سرک نکشیده و برای صاحبان آن مالیات در نظر نگیرد و دارندگان سکه و ارز، همان‌طور که اموال خود را به دور از چشم دست‌اندرکاران مالیات، در خانه و صندوق‌های مختلف نگهداری می‌کردند، بانک نیز چنین وظیفه‌ای را برعهده بگیرد و در موقع لزوم در اختیار آنان قرار دهد. لازمه این کار عهد شرعی و قانونی است که بین دولت و مردم بسته خواهد شد و هردو در برابر اجرای عهد خود به یکدیگر وفادار خواهند ماند.

در صورت اجرای این طرح، سرمایه‌ای عظیم از سکه و ارز، در اختیار دولت قرار خواهد گرفت و می‌توان با سرمایه‌ای که تا دیروز راکد مانده بود، گره‌هایی از مشکلات اقتصادی کشور را باز کرد و آثار چنین گشایشی را به مردم نشان داد.

در مقابل خیال مردم هم از امنیت اموالشان آسوده می‌شود و در عین حال نگران دسترسی به سرمایه‌هایشان نیز نیستند؛ چراکه هر وقت تصمیم بگیرند می‌توانند با مراجعه به بانک، ارز و سکه مورد نیاز خود را از حسابشان برداشت کنند.

البته این طرح به شرطی تحقق خواهد یافت که هنگام گشایش حساب، بانک تضمین لازم را به سپرده‌گذار بدهد و بانک مرکزی نیز این سپرده را تضمین کند. این کار دقیقاً شبیه به کاری است که بانک مرکزی در زمان عرضه اوراق بهادار انجام می‌دهد. بر این اساس اعلام می‌شود که مبلغ امانت گرفته شده مشمول مالیات نمی‌شود و اصل و سود آن توسط بانک مرکزی تضمین خواهد شد.

اگر دولت بتواند اعتماد مردم را جلب و چنین طرحی را عملیاتی کند، بخش عمده‌ای از کمبود ارز دولت جبران خواهد شد. در عین حال اعتماد مردم به دولت نیز افزایش می‌یابد و بخش عمده سرمایه‌های راکد توسط مردم به تولید اختصاص داده خواهد شد و در عمل شعار سال که افزایش تولید با کمک مردم است، تحقق خواهد یافت.

خوشبختانه اخیراً جناب همتی، وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی نیز به این نکته توجه کرده‌اند و امید می‌رود، به همت جناب همتی، شاهد طرح تخصصی باشیم که هم اعتماد و استقبال مردمی را به دنبال داشته باشد و هم دولت بتواند این منبع عظیم حبس‌شده را به رونق تولید اختصاص دهد تا بهره دوجانبه برای جامعه داشته باشد.

دیپلماسی صلح و دیپلماسی جنگ

یادداشت

حمید قنبری
مشاور وزیر امور خارجه

در دولت پزشکیان، وزارت امور خارجه ایران ناگزیر با دوران وزارت امور خارجه در دولت اول روحانی مقایسه می‌شود؛ دورانی که این نهاد به مهم‌ترین و پررنگ‌ترین بازیگر صحنه سیاست داخلی و خارجی تبدیل شده بود. با آغاز کار دولت روحانی، تیم مذاکره‌کننده وزارت خارجه بسرعت شکل گرفت و مذاکرات با کشورهای ۵+۱ آغاز شد. در مدت زمانی کوتاه، توافق موقت حاصل شد؛ توافقی که توانست در کوتاه‌ترین زمان ممکن انتظارات تورمی را کاهش دهد، ثبات نسبی به اقتصاد ببخشد و امید را به بازارها بازگرداند. در ادامه، مذاکرات جامع‌تری برای دستیابی به توافق نهایی یا همان برجام آغاز شد که در بازه‌ای معقول به نتیجه رسید. برجام، با رفع تحریم‌های هسته‌ای، گشایش‌هایی در وضعیت اقتصادی کشور ایجاد کرد؛ گشایش‌هایی که اگرچه برخی آن را ناکافی و دور از ایده‌آل می‌دانستند، اما آثار مثبت آن تا خروج امریکا از برجام در دولت ترامپ همچنان احساس می‌شد.

با این پیش زمینه، بسیاری از دولت پزشکیان نیز انتظارات مشابهی داشتند؛ آنها گمان می‌کردند که مذاکرات بازگشت به برجام بسرعت آغاز شده و فرآیند رفع تحریم‌ها بزودی عملیاتی خواهد شد. اما این انتظار به سرانجام نرسید. چرا؟ پاسخ این پرسش در دل عوامل پیچیده‌ای نهفته است که شرایط داخلی و خارجی امروز ایران را به کلی از دوران روحانی متمایز می‌کند.

نخستین عاملی که روند مذاکرات را در آغاز دولت پزشکیان با چالش مواجه کرد شرایط پیچیده و نامشخص داخلی ایالات متحده بود. تقریباً همزمان با شروع به کار این دولت، امریکا درگیر فضای انتخاباتی شد و اولویت اصلی دولتمردان آن کشور بر سرنوشت انتخابات متمرکز گردید. تا زمانی که رئیس جمهوری جدید مشخص نشده و دولت تازه مستقر نمی‌شد، هیچ‌گونه تصمیم‌گیری جدی درباره ایران و تحریم‌ها امکان‌پذیر نبود. این مسأله، به دلیل نقش کلیدی و تأثیرگذار امریکا در تحریم‌ها و هرگونه فرآیند رفع آنها، یکی از مهم‌ترین عوامل تأخیر در آغاز مذاکرات بود.

عامل دوم، تغییرات بنیادین در ساختار بین‌المللی بود. گروه ۵+۱ که در دوران روحانی به‌عنوان بستر اصلی مذاکرات عمل می‌کرد، دیگر مانند گذشته انسجام و ظرفیت عمل نداشت. روسیه، یکی از اعضای کلیدی این گروه، درگیر جنگی طولانی و پرهزینه با اوکراین شده است. در این جنگ، کشورهای اروپایی و ایالات متحده با حمایت مستقیم و غیرمستقیم از اوکراین، به‌طور کامل درگیر بحران هستند. این تغییرات، به همراه شکاف‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی عمیق‌تر در میان بازیگران جهانی، ساختار بین‌المللی را به‌طور جدی از دوران روحانی متمایز کرده و پیچیدگی‌های جدیدی به پرونده سیاست خارجی ایران افزوده است.

سومین دلیل، وضعیت بحرانی و پرتنش در منطقه غرب آسیا است. عملیات ۷ اکتبر و حملات گسترده رژیم صهیونیستی به غزه و جنوب لبنان، به همراه پاسخ‌های نظامی حزب‌الله و دیگر بازیگران منطقه‌ای، فضای منطقه را به‌سوی یک جنگ گسترده سوق داد. به این تنش‌ها، ترور اسماعیل هنیه در تهران در همان آغاز به کار دولت پزشکیان و نیز حملات متقابل ایران و رژیم صهیونیستی را باید افزود. این شرایط، اولویت اول دستگاه سیاست خارجی ایران را از دیپلماسی رفع تحریم‌ها به دیپلماسی جنگ تغییر داد؛ چراکه دولت پزشکیان در اولین مواجهه خود با سیاست خارجی به‌جای فضای مذاکره با جنگ و مخاصمات مسلحانه روبه‌رو شد. این وضعیت بی‌تردید مسیر وزارت خارجه را از آنچه در دوران روحانی تجربه شد به کلی متفاوت ساخت.

در چنین شرایطی آنچه از دستگاه سیاست خارجی انتظار می‌رود اتخاذ دیپلماسی جنگ است؛ دیپلماسی‌ای که در ذات خود با دیپلماسی زمان صلح و رفع تحریم‌ها تفاوتی عمیق دارد. در دیپلماسی جنگ اولویت اول مدیریت تنش‌ها و جلوگیری از گسترش بحران است. این به معنای آن است که وزارت خارجه باید به‌طور فعال و هوشمندانه از ابزارهای متنوعی برای محدود کردن دامنه درگیری‌ها و حفظ ثبات نسبی در شرایط بحرانی استفاده کند. مذاکرات پشت‌پرده یکی از این ابزارهاست؛ ارتباطات غیررسمی با بازیگران مؤثر می‌تواند فضایی برای کاهش سوءتفاهم‌ها و جلوگیری از اشتباهات محاسباتی ایجاد کند. در این میان دیپلماسی عمومی و پیام‌رسانی هوشمند نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. وزارت خارجه باید پیام‌های روشن، دقیق و حساب‌شده‌ای به طرف‌های مقابل ارسال کند تا خطوط قرمز ایران به وضوح ترسیم شود و هرگونه سوءبرداشت که ممکن است به تشدید بحران منجر شود از میان برداشته شود. در دیپلماسی جنگ، انعطاف‌پذیری و توانایی تغییر سریع رویکردها بر اساس شرایط متغیر اهمیت حیاتی دارد. دستگاه سیاست خارجی باید همواره آماده باشد تا در برابر تحولات غیرمنتظره مانند حملات نظامی ناگهانی یا تحریم‌های شدیدتر واکنش نشان دهد. علاوه بر این، هماهنگی میان نهادهای داخلی نیز ضروری است. در شرایط جنگ وزارت خارجه نمی‌تواند به‌تنهایی بار دیپلماسی را به دوش بکشد؛ هماهنگی نزدیک با نهادهای نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و حتی فرهنگی ضروری است تا بتوان یک استراتژی یکپارچه و منسجم برای مقابله با بحران‌ها تدوین کرد. همچنین نقش ائتلاف‌سازی در دیپلماسی جنگ بسیار پررنگ است. وزارت خارجه باید به‌دنبال ایجاد یا تقویت ائتلاف‌هایی باشد که بتوانند از موضع ایران در برابر فشارها حمایت کنند.

با توجه به دلایل پیش‌گفته مقایسه عملکرد وزارت خارجه در دولت پزشکیان با وزارت خارجه در دولت اول روحانی بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های محیطی و شرایط پیرامونی، ناعادلانه و گمراه‌کننده است. شرایط داخلی و خارجی ایران در این دو مقطع زمانی کاملاً متفاوت بوده و چالش‌هایی که دولت پزشکیان با آن روبه‌روست بسیار پیچیده‌تر و متنوع‌تر از دوره پیشین است. به همین دلیل این دولت رویکردی متفاوت در پیش گرفته و تلاش کرده است که از تجربیات گذشته درس بگیرد.

دولت پزشکیان با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف وزارت خارجه در دولت‌های گوناگون تلاش کرده است تا با حفظ نقاط قوت از تکرار ضعف‌های گذشته جلوگیری کند. این رویکرد بویژه در زمینه دیپلماسی با تمرکز بر انعطاف‌پذیری، شفافیت در پیام‌ها و تقویت روابط منطقه‌ای و بین‌المللی قابل مشاهده است. دولت پزشکیان و وزارت خارجه همواره تأکید کرده‌اند که ایران آماده مذاکره برای رفع تحریم‌ها هستند و هیچ‌گاه میز مذاکره را ترک نکرده‌اند. اما این مذاکره باید شرافتمندانه باشد؛ مذاکره‌ای که در آن اصول و منافع ملی ایران نه‌تنها حفظ شود بلکه مورد احترام طرف‌های مقابل قرار گیرد. مذاکره شرافتمندانه یعنی دوری از فشارهای غیرقانونی و یک‌جانبه و ایجاد فضایی که در آن همه طرف‌ها به تعهدات خود پایبند باشند. تجربه برجام نشان داده است که ایران آماده تعامل و همکاری است اما این همکاری زمانی معنا دارد که احترام متقابل و حقوق برابر در مذاکرات رعایت شود. مذاکره‌ای که تنها به‌دنبال تحمیل خواسته‌های یک‌جانبه باشد نمی‌تواند به نتیجه پایدار برسد. ایران بارها نشان داده است که اهل گفت‌وگو و توافق است اما این گفت‌وگو باید در چهارچوب عزت و احترام انجام شود، نه تحت فشار تهدید و تحریم. وزارت خارجه در این مسیر با حفظ رویکرد واقع‌گرایانه تلاش کرده است تا با نشان دادن انعطاف در مذاکره خطوط قرمز کشور را به‌وضوح ترسیم کند. این رویکرد نشان‌دهنده آمادگی ایران برای تعامل سازنده است، اما هم‌زمان پیام روشنی به طرف‌های مقابل ارسال می‌کند: مذاکره نباید به بهایی انجام شود که منافع ملی ایران را به خطر اندازد. به همین دلیل مذاکره شرافتمندانه نه تنها شرط ایران برای رفع تحریم‌ها بلکه راهبردی است که می‌تواند پایه‌گذار یک مسیر پایدار در تعاملات بین‌المللی باشد.